کتاب «قرآن و ادبیات آذربایجان» در باکو منتشر شد

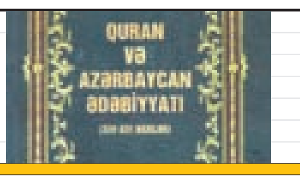

کتاب «قرآن و ادبیات آذربایجان»، به همت رایزنی فرهنگی ایران در باکو، چاپ و منتشر شد. به گزارش ایرنا، این کتاب در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی، توسط ماهره قلی اوا، عضو آکادمی ملی علوم آذربایجان، به رشته تحریر درآمده. در بخش‌هایی از این کتاب، نویسنده به بررسی ویژگی بلاغتی قرآن کریم در ادبیات کلاسیک آذربایجان پرداخته و نقش و تأثیر قرآن کریم را در برخی از اشعار شاعران بنام، از جمله نظامی گنجوی، تبیین کرده است.

چشم طمع دلالان به گردشگری سلامت

جام جم در بسیاری از کشورهای دنیا، گردشگری سلامت، در زمره پنج منبع مهم تولید ناخالص داخلی شناخته می‌شود؛ به طوری که سود سالانه آن در جهان، رقمی حدود صد میلیارد دلار تخمین زده می‌شود؛ اما در کشور ما این رقم به زحمت به ۵۰۰ میلیون دلار در سال می‌رسد که البته، بیشتر سود این سهم نیم درصدی از بازار گردشگری سلامت در جهان هم به جیب دلالان می‌رود. به دلیل این که در چند دهه متوالی، برنامه‌ریزی درستی برای توسعه گردشگری سلامت در کشور انجام نشده است، هنوز هم دلال‌ها در توریسم درمانی، حرف اول و آخر را می‌زنند. مشکلات گردشگری سلامت، مسئله‌ای نیست که وزارت بهداشت آن را کتمان کند. چند روز قبل، حسن هاشمی، وزیر بهداشت، در برنامه «من طهران» شبکه العالم، با صراحت اعلام کرد که دانش و مهارت جامعه پزشکی با درآمد ما از گردشگری سلامت قابل قیاس نیست؛ در حوزه اطلاع‌رسانی و معرفی توانمندی‌هایمان به آژانس‌های قوی و هتل‌های مجهز و وسیله رفت‌وآمد مناسب نیاز مندیم، اما در این زمینه، موفقیت چندانی نداشتیم.

■ ساختاری برای جذب گردشگر سلامت نداریم

کشورهای تایلند و هندوستان، به عنوان قطب‌های اصلی گردشگری سلامت در جهان شناخته می‌شوند. در عین حال، کشور ترکیه نیز، طی چند دهه اخیر، به خوبی توانسته است از مسیر گردشگری سلامت، به سودهای کلان برسد و بازار گردشگری سلامت منطقه را در دست بگیرد. دکتر حسن طباطبایی نژاد، عضو هیئت مدیره انجمن خدمات بین‌المللی سلامت که تجربه طولانی در گردشگری سلامت دارد، در گفت‌وگو با جام جم معتقد است وقتی دلالی از گردشگری سلامت ما حذف می‌شود که ما ساختار مناسبی برای جذب گردشگر داشته باشیم. به گفته طباطبایی‌نژاد، ما بازاریابی برای جذب گردشگر سلامت در آن سوی مرزها نداریم؛ در بحث درمانی هم، برندسازی نکرده‌ایم، یعنی بیمار خارجی به دلیل شهرت یک مرکز درمانی ما، به ایران نمی‌آید. نبود هلدینگ بیمارستانی در کشور، مشابه مجموعه بیمارستان‌هایی که مثلا در کشور ترکیه در بیشتر شهرهای آن وجود دارد، در اختیار نبودن امکانات رفاهی برای بیمار خارجی و نبود سیستمی منظم و تعریف شده برای مدیریت ورود و خروج بیماران خارجی، دلایلی است که به باور طباطبایی‌نژاد، باعث شده است که دلالان در این عرصه، میدان‌داری کنند. این کارشناس گردشگری سلامت، تاکید دارد که اغلب این دلالان، به زبان مردم کشورهای اطراف، تسلط دارند. خیلی از این دلالان، مسافرکش هستند و تحت عنوان همراه بیمار و با دریافت مبلغی از این بیماران، کارهای درمانی آنها را پیگیری می‌کنند و پول حسابی به جیب می‌زنند.

■ لزوم حمایت از شرکت‌های قانونی

دکتر محمدتقی پیوندی، معاون سابق درمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در گفت‌وگو با جام جم، از زاویه دیگری به موضوع نگاه می‌کند و می‌گوید: هیچ پزشک حاذق و شناخته شده‌ای حاضر نیست برای جذب بیمار خارجی، به دلال پولی بدهد. به همین دلیل، دلالان تلاش می‌کنند سراغ پزشکان کم‌تجربه‌تر بروند. در نتیجه، بیمار خارجی، درمان با کیفیتی نمی‌گیرد و همین مسئله به اعتبار گردشگری سلامت ایران لطمه می‌زند. کاهش محسوس ورود بیماران ترکمنستان به ایران، نمونه‌ای عینی از ضربه زدن دلالان به گردشگری سلامت کشور است که پیوندی به آن اشاره دارد. کلاهبرداری برخی دلالان و فراهم نکردن خدمات رفاهی مناسب برای این بیماران هم، دلیل دیگری است که گردشگر سلامت را از ورود دوباره به ایران منصرف می‌کند. به گفته این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، باید همه نهادها، از جمله وزارت بهداشت و سازمان گردشگری، از بخش خصوصی حمایت کنند تا ورود گردشگران سلامت به کشور، از طریق شرکت‌های قانونی و ثبت شده انجام شود که این مسیر، قطعا مانع جولان دلالان در فضای گردشگری سلامت خواهد شد. هاشمی، وزیر بهداشت هم، پیشتر اعلام کرده بود ایران از پزشکان برجسته، مراکز مجهز و تجهیزات پیشرفته برخوردار است و مردم منطقه از گذشته‌های دور با پزشکی ایران آشنا هستند و به آن اعتماد دارند؛ اما ورود سالانه فقط ۱۵۰ هزار گردشگر سلامت به کشور، تناسبی با توانمندی‌های کم‌نظیر ایران در حوزه سلامت ندارد؛ به همین دلیل نیز، هاشمی از کشورهای دنیا خواست برای اعزام بیمارانشان به ایران دفاتری دایر کنند. نباید از یاد برد که ساختار سلامت ایران برای جذب گردشگر داخلی هم مساعد نیست. مثلا خیلی از بیماران مقیم شهرستان‌ها، وقتی برای درمان به تهران و دیگر کلانشهرها می‌آیند، به سختی می‌توانند روزشان را به شب برسانند؛ چون ساختاری برای حمایت از بیمار و همراهان بیمار وجود ندارد. به همین دلیل، وقتی ساختار سلامت ایران برای جذب گردشگر داخلی هم چندان مساعد نیست، در این شرایط، تکلیف جذب گردشگر خارجی کاملا معلوم است.

گزارشی از ساکنان تنها قلعه تاریخی- مسکونی

حکایت پیری، خشکسالی و تنهایی

شهروند هر روز صبح وقتی که خورشید به قلعه سرک می‌کشد، سایه بلند ۱۲ برج خشتی روی زمین خاکی پهن می‌شود. بعد پیرمردها دندان مصنوعی را در دهان جا می‌دهند و پیرزن‌ها، پلک‌های چروکیده‌شان را باز می‌کنند. آهسته‌آهسته بعضی به باغ‌های انار می‌روند و بعضی به زمین‌های کشاورزی بیرون ده. بقیه، یا در خانه کز می‌کنند یا جلوی در می‌نشینند به امید رهگذری. در قلعه «دولت‌آباد» که زمانی تفنگداران قاجاری در آن رژه می‌رفتند و چندتایی‌شان روی برج‌ها نگهبانی می‌دادند، روز این چنین آغاز می‌شود. قلعه، دور ۷۰ خانه حصار کشیده است؛ دور خانه‌های پیر؛ نیمی متروک و نیمی مسکون. در قلعه هیچ جوانی نیست و جوش و خروشی هم. جوان‌ها دست بچه‌ها را گرفته و به شهر رفته‌اند و ۷۰ پیرمرد و پیرزن را جا گذاشته‌اند. زمان، ساکنان دولت‌آباد را پیر کرده است. پیری زیر پوستشان خزیده، به چشم‌ها رخنه کرده و رمق را از پاها گرفته است. قلعه مسکونی ۵۰ کیلومتر با قم فاصله دارد، نامش را گذاشته‌اند: «پیرآباد».

بیست سال است دو لنگه چوبی تنها در آبادی به هم جفت نشده و شب و روز برای خودروها و آدم‌ها راه باز است، بی هیچ نگهبانی. بیشتر از ۲۰۰ سال پیش، درِ سنگین دژ همیشه بسته بود، مگر زمانی که ورود قشون فلان امیر قاجاری را جار می‌زدند و به ضرب و زور دربان ورزیده باز می‌شد. در، که حالا تصویر رنگ و رو رفته یک نماینده شورا روی آن، با وزش باد تلوتلو می‌خورد، همان در است، اما ۲۰ سال پیش این قلعه حال دیگری داشت و ۲۰۰ سال پیش احوال دیگری.

روایت است «آقاخان محلاتی»، که در دستگاه قاجاریه محترم بود، روزگاری قشونی در این دژ داشت و برای همین نام «آقاخان» رویش مانده است و طبق روایت‌های نانوشته دیگری، شاهان قاجاری در گذر از مسیر قم به اصفهان، یا برای تابستان‌گذرانی با خدم و حشم، به این جا می‌آمدند. آن وقت‌ها شاید مثل حالا، در مسیر دولت‌آباد که ۳۰ کیلومتری از سلفچگان دور است، تا چشم کار می‌کرد خانه‌های گنبدی کاهگلی بود و دو طرفِ راه، انارهای سرخ به شاخه‌های سبز سنجاق شده بودند. باد پاییزی از دیوارهای ۱۰ متری بالا می‌رود، خودش را به چهار گوشه قلعه می‌کوبد و هو می‌کند. بیرون، گندمزار است و تاکستان‌های کوچک و چند زمین خشکیده. پشتِ باروی خشتی، خانه‌ها با قامتی کوتاه‌تر از دیوارهای خشتی، در محاصره‌اند؛ چندتایی بازمانده از زمان کهن و بسیاری ساخته‌شده از سیمان و سنگ مرمر در سال‌های بعد. نخستین قلعه‌نشینان، بعد از این که نظامیان رفتند، به این جا آمدند. اهل آبادی، ملکشان آبا و اجدادی است و این حکایت مختصر را نقل می‌کنند که زمانی تبعیدیان بختیاری، این جا ساکن شدند و طایفه‌های مختلف دیگر. آن روزگار، این جا «پیرآباد» نبود. اهالی قلعه، می‌گویند تاریخ زندگی در این آبادی به ۴۰۰ سال می‌رسد. بیش از این، درباره تاریخ این قلعه قاجاری، نه مردم می‌دانند نه مسئولان سازمان میراث فرهنگی که چهار سال پیش نام «دولت‌آباد» را به عنوان اثری بازمانده از عصر قاجار در فهرست آثار ملی جای دادند.

■ دلتنگی در خلوت پیرآباد

وانتی آبی دروازه را جا می‌گذارد و پیش می‌رود، بارِش دمپایی پلاستیکی است. با خودرو نمی‌شود تمام آبادی را زیر پا گذاشت؛ کوچه‌ها تنگ و کوتاه است. وانت در سایه دیواری می‌ایستد و پیرزن‌ها و پیرمردها نرم‌نرمک دورش را می‌گیرند. دولت‌آبادی‌ها کمتر برای خرید راهی شهر می‌شوند. خیلی دور که بروند، ده حسن‌آباد است؛ دهیار و دوا و درمان هم آنجاست. هر چه بخواهند اول هفته وانت‌ها می‌آورند؛ لباس، ظرف، پلاستیک. «حاج‌خانم» پول دمپایی را به مرد فروشنده می‌دهد و دو دستش را قفل می‌کند دور عصا. چشم که باز کرده، دولت‌آباد را دیده، محصور در قلعه‌ای. «اووه. صد ساله که اینجام. حوصله ندارُم. دندون تو دهنُم نی، نمیتونُم حرف بزنُم.» مردها عقب می‌روند و نطق «حاج‌خانم» باز می‌شود که بی‌دغدغه دندان، از آب و نان بگوید: «آبادی ما از خشکسالی زمین خورد. فقط ما از کارافتاده‌ها ماندیم که دیگه فرش هم نمی‌تونیم ببافیم. با پول یارانه و کمیته امداد روزگار می‌گذره. بعضی‌ها باغ و زمین دارن و تک‌وتوک گوسفند. اما درِ بیشتر خونه‌ها بسته‌اس. صاحباش یا مُردن یا رفتن. ۶ تا دومادو عروس منم نمونده. مگر تعطیلاتی باشه که بیان و قلعه شلوغ شه. شدم یک پیرزن تنها. پیری درد و غمش کم نیست. به این جا باید گفت پیرآباد، نه دولت‌آباد.» جمعیت روستای دولت‌آباد در دهستان نیزارِ بخش سلفچگان استان قم، در سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۰۳ نفر (۴۲ خانوار) بود. ۱۰ سال گذشته و حالا این تعداد تقریبا به نصف رسیده است. جوان‌ها همه به قم و تهران رفته‌اند و سالخوردگان مانده‌اند. مدرسه از ۲۳ سال پیش متروک شده است. آن زمان فقط ۱۳ بچه مدرسه‌ای در آبادی مانده بود. صرف نمی‌کرد که معلمی را از شهر، به راه دور این قلعه بفرستند برای همین چند نفر. «ما هم گاو و گوسفند رو فروختیم و به هوای مدرسه، زن و بچه رو فرستادیم قم. شدیم ماشین دوگانه‌سوز. می‌رویم قم پی زندگی، برمی‌گردیم این جا برای کشاورزی.» صفرعلی که سبیل جوگندمی بلندی دارد، از برادرانش می‌گوید که مثل او، زن و زندگی‌شان شهر است و کار و پدر و مادرشان قلعه. از اعضای شوراست. ته یکی از کوچه‌های آسفالت که در آن چند انار باغ روی زمین ترکیده‌اند، کنار «باباخان» ایستاده و گوش می‌کند: «این جا صدای گریه بچه دیگه نمیاد. خنده‌ت نگیره، دلم تنگ شده برای این صدا. قرار بود این جا رو آباد کنن تا جوونامون برگردن. دولتی‌ها زیاد آمدن؛ از نماینده رئیس جمهور بگیر تا مامور کمیته امداد. اما هیچی نشد. فقط دیدن و رفتن. چاره چیه؟ همه یکی یکی رفتن و ما کم کم پیر میشیم و میریم سینه قبرستون.»

■ آب نیست، آبادی نیست

مدرسه یکی از دردها بود که جوان‌ها را راند. درختان تکیده و زمین‌های خشکیده بیرون قلعه شاهد تشنگی زمین‌اند. سرچشمه‌های قمرود، به باغ و زمین‌های این اطراف جان می‌داد، اما سد ۱۵ خرداد، مانع آبادی شد. پیش از این، ۸۰ خانوار ساکن قلعه، همگی باغ‌های سرزنده داشتند. آب بود، بچه‌ها هم بودند و مدرسه قدیمی پنج معلم داشت. در سال‌های بی‌آبی، دو آب‌انبار قاجاری پهلوی قلعه که به هم وصلند، خشک شدند. بعد از این، در ۵ کیلومتری دولت‌آباد چاهی زدند تا هر کس به نوبت آب بردارد. مسجد ۷۰ ساله، دری زنگ‌زده دارد و حیاطی پر از برگ‌های زرد که در گوشه آن، یک جفت کفش کهنه، زیر آفتاب تنبل پاییز مانده است. کفش‌های حسن‌علی است که ۱۴ سال از مسجد بزرگ‌تر است. عصا را به دیوار تکیه داده، نشسته در کنجی و پاهای ناتوان را دراز کرده است. سرش را توی دست‌ها گرفته و «یا محمد، یا علی» می‌گوید. حسن‌علی از دار دنیا فقط چند تا مرغ دارد و چند درخت انار. «مگر تو این زمونه میشه گوسفند رو سیر کرد؟ باغ آب می‌خواد، خیلی از باغ‌ها خشک شد. بدون آب، آبادی کجا بود؟ اون‌ها که باغشون قابل بود، اجاره دادن و راحت شدن.» در خیال حسن‌علی، گل‌های آفتابگردان سر بلند کرده‌اند و گندمزار طلایی در نسیم می‌رقصد. قلعه آن زمان، ۴۸ کشاورز داشت و حالا خیلی کمتر. «الان هر رعیتی سه ربع آب دارد. من باغکاری پاییزی روول کردم. وضع باقی بهتره.» ساعت ۳ بعد از ظهر فلکه آب را می‌بندند و ۵ ساعت بعد باز می‌کنند. کشاورزها روزی ۶ ساعت سهم آب دارند. همین چند روز پیش، بحث سر این که کسی ۲۰ دقیقه بیشتر آب داشته به زد و خورد کشید. جدل بر سر آب هر چند روز یک بار اتفاق می‌افتد. حسن‌علی به کمک عصا برمی‌خیزد و به کُندی از مسجد بیرون می‌رود.

■ بچه‌های خیالی در خانه سیاه و نفرین کهنه

فاطمه جوان‌ترین زن روستاست و خانه‌اش قدیمی‌ترین؛ خودش این طور می‌گوید. خانه‌اش تاریخی نیست اما کهنه است، مثل سالخوردگان مریض و از کار افتاده. «من یه زن بدبختم.» خنده از روی لبش محو نمی‌شود، حتی وقتی از بدبختی حرف می‌زند و خانه را نشان می‌دهد که دیوارهایش دودزده است و فرشش سوخته. ۵۶ ساله است و مجرد. «من مجلّلم (مجرد). الان ۱۲ ساله مجلل زندگی می کنم!» ۱۲ سال پیش، شوهرش طلاقش داده و یک سال بعد، مادرش در همین خانه مرده. از همان وقت تنهاست. عینک را تا حد ممکن به چشمانش چسبانده و روسری را جلو آورده تا روی عینک. «باهام حرف بزن. من کسی رو ندارم.» سطل انار را از کنار گلدان‌های کچل برمی‌دارد و مشغول دانه کردن می‌شود. گوشه اتاق، پشته‌ای از کیسه‌های پلاستیکی است و زمین پر از کبریت‌های سوخته. دو طرف دیوار سیاه، عکس دو کودک بور و چشم‌رنگی به قرینه چسبیده؛ بچه‌های خارجی که فاطمه عکسشان را از بساط همین وانت‌های هفتگی خریده. «اینها بچه‌هامن. من خدا رو دارم و این بچه‌ها رو. صبح تا شب باهاشون حرف می‌زنم. وایسا یه بچه دیگه هم دارم.» با عجله انارها را کنار می‌گذارد و از اتاق دیگری که کَفش سیمانی است و پر از آت و آشغال، عکس بچه دیگری را می‌آورد و می‌بوسد. «این شیطونکِ من اسمش امیرحسینه. از همه بیشتر دوستش دارم. همه‌ش باهاش حرف می‌زنم. همه‌ش نازش می‌کنم.» او با یارانه و کمک کمیته امداد روزگار می‌گذراند، مثل دیگر سالخوردگان این آبادی که زمین کشاورزی‌شان خشکیده و گوسفندان را فروخته‌اند. «دست و دلُم پی کار نَمیره. این جا فقط منم و پیری با دم مرگ. از وقتی مادرم مرده همش به ترس و وحشت می‌گذره. این جا نفرین شده‌اس. تا چند سال دیگه محدود (متروک) میشه، محدود! می‌فهمی؟ آدم پیر دیر یا زود می‌میره. پیری منم دور نیست، پس نمیشه دوباره شوهر کنم و بچه بیارم. موندم با همین بچه‌هام.» فاطمه می‌رود پی ناهار بچه‌های نداشته و جلز و ولز تخم‌مرغ توی ماهیتابه کج و معوج بلند می‌شود. دورتر از حمام قدیمی، در خانه‌ای، بخاری روشن است تا سرما را از جان پیرزن و پیرمرد صاحبخانه بیرون کند. ترید نان‌ها توی کاسه آبگوشت، خیس می‌خورد. پیرمرد از زمین‌های خشک حرف می‌زند و پیرزن یاد نفرین کهنه می‌افتد. «در عهدی که این جا دژ سربازخونه بود، آدم خیّری با ناصرالدین شاه مرافعه کرد، جنگید اما شکست خورد و قهر کرد. بعد قلعه دست دولت افتاد و اورفت. همون وقت دولت‌آباد رو نفرین کرد تا بعد از این نه خراب بشه، نه آباد.» حاجی ابراهیم، بزرگ قلعه است. در طول ۹۱ بهاری که در قلعه مو سپید کرده، ۵ خشکسالی را به چشم دیده. زن، تیله‌های آبی و مات چشمش را به او می‌دوزد: «ننه‌هامون می‌گفتن ما نفرین شدیم که نون و دوغمون همگیر نشه. دیدین که نمیشه.»

■ ماندن در ملک اجدادی

خروس بی‌محل در ظهر خلوتِ آبادی می‌خوانَد. ردیف نامنظم خانه‌های خشتی و کاهگلی متروک در نزدیکی باروی قلعه، با ریزش سقف‌ها و دیوارها، بیشتر از هم پاشیده. خانه‌های نزدیک حصار، خشت به خشت، بازمانده از اواخر عصر صفوی و اوایل قاجارند. با این همه حدیث نفرین و خشکسالی و تنهایی، از قلعه‌نشینان هیچ یک راضی به دل کندن از این جا نیستند و تهش می‌گویند: «همین جامی‌مانیم که ملک اجدادی‌مان است.» همین شد که سازمان میراث فرهنگی هم قلعه را ثبت کرد، بی‌سخنی از رفتن ساکنان تنها قلعه مسکونی- تاریخی ایران. در این سال‌ها، بعضی خانه‌های تاریخی از بین رفت و خانه‌های سیمانی بسیاری هم ساخته شد. بخش‌هایی از قلعه، که رو به خرابی بود، دو سال بعد از ثبت، با خرج نماینده بخشدار، مرمت شد. کسی که زاد و زندگی‌اش تهران است، اما دو سال پیش وقتی سرسرای دروازه قلعه بی‌جان شد و نزدیک بود که آوار شود، دست به کار مرمتش شد. پارسال هم برج و باروی جنوبی سرپا شد، اما این بار به خرج سازمان. دالان‌های تنگ و تاریک در ۱۲ نقطه حصار تاریخی، بعد از ردِ کردن سه پاگرد، به بالای برج‌های نگهبانی می‌رسد. برج‌ها هنوز سرپا ایستاده‌اند و تمام وسعت پیرآباد از آن بالا پیداست. ابرها در آسمان قلعه نقاشی شده‌اند و هشت کفتر طوسی و سفید بالای قلعه می‌پرند. قلعه‌نشینان دلشان را خوش کرده‌اند به همین کفترهای رها که یکی از نوه‌ها آزادشان کرده است، به وانت‌های دمپایی و لباسی که هر شنبه می‌رسند و انتظار برای روزهای تعطیلی که پیری را از جانشان دور می‌کند.

میراث اقتصادی اوباما برای ترامپ

معمولا ساکنان کاخ سفید هنگام خروج از این کاخ، اقتصادی رو به بهبود را برای جانشینی از حزب مخالف به ارث نمی‌گذارند. برای مثال زمانی که اوباما در سال ۲۰۰۸ منتظر در دست گرفتن قدرت بود، اقتصاد آمریکا شرایط بسیار وخیمی داشت؛ در نوامبر آن سال کارفرمایان، ۵۳۳ هزار شغل را کاهش دادند که بزرگ‌ترین کاهش ماهانه در یک نسل محسوب می‌شد؛ اما به گزارش نیویورک تایمز، دونالد ترامپ اقتصادی را به ارث می‌برد که به مدت ۸۰ ماه در بخش خصوصی، شغل ایجاد کرده و در ماه نوامبر، به ۱۷۸ هزار نفر دیگر شغل داده است و به این ترتیب، نرخ بیکاری از ۴/۹ درصد در ماه اکتبر به ۴/۶ درصد کاهش یافته است. اگر چه رشد دستمزدها کند است، اما همچنان بالاتر از نرخ تورم است و مصرف کنندگان، طی نزدیک به یک دهه، بالاترین سطح اعتماد را به اقتصاد داشته‌اند. از سوی دیگر، فدرال رزرو آمریکا آن قدر به زیربنای قدرت اقتصادی این کشور اطمینان دارد که آماده است در نشست خود، در اواخر ماه جاری، نرخ بهره را افزایش دهد. با وجود همه این پیشرفت‌ها، میلیون‌ها آمریکایی احساس می‌کنند از بهبود اقتصادی بهره‌ای نبرده‌اند. افراد فاقد مهارت به کارهای کم‌درآمد گماشته شده‌اند. افرادی که پیشتر، دارای مشاغل تولیدی با مزایای خوب بودند، اکنون به دلیل اینکه مجبورند شغل‌های خدماتی کم‌درآمد داشته باشند یا اصلا شغلی نداشته باشند، خشمگین هستند. اضطراب و نگرانی شدید، به‌ویژه در میان طبقه کارگر سفیدپوست، در مورد توانایی رسیدن یا باقی ماندن در طبقه متوسط، یکی از عواملی است که به ورود ترامپ به کاخ سفید کمک کرد. البته، گزارش مشاغل ماه نوامبر، نقاط منفی هم داشت. این گزارش نشان داد افراد بیشتری به جای پیوستن به نیروی کار، از آن خارج شده‌اند. مشاغل تولیدی کاهش بیشتری داشته‌اند و همچنان، شغل‌های نیمه‌وقت بسیاری وجود دارد که افراد شاغل در آن می‌خواهند به طور تمام‌وقت کار کنند. اگر چه نرخ رسمی بیکاری برای فارغ‌التحصیلان دبیرستان به ۴/۹ درصد کاهش یافته، این رقم دو برابر بیشتر از نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. جوناس پرایزینگ، رئیس من‌پاور گروپ، می‌گوید: «نیروی کار به دو گروه تقسیم شده است. افرادی موفق می‌شوند که قادرند از پیشرفت‌های فناوری، جهانی شدن و دیگر تغییراتی که نیازمند مهارت است، استفاده کنند. برای دیگر افراد، چشم‌انداز خوشایندی وجود ندارد.» او همچنین می‌گوید: «قبلا بخشی از نیروی کار، مشاغل پردرآمدی داشتند که سطح پایین بودند و نیاز به مهارت نداشتند. اکنون این نوع از مشاغل، به سختی پیدا می‌شوند.» توافقی که ترامپ با شرکت «کریر» حاصل کرد، نمونه‌ای از عمل به وعده‌های انتخاباتی مبنی بر حمایت از کارگران است. او با این شرکت به توافق رسید که در فرایند انتقال تولید از آمریکا به مکزیک، هزار شغل تولیدی حفظ شود؛ اما قدرت تشویق هم محدود است. بتسی استیونسون، اقتصاددان دانشگاه میشیگان و مشاور اقتصادی سابق اوباما، معتقد است اگرچه بخش تولیدی همچنان موتور رشد اقتصادی است، اما افراد کمتر و کمتری را استخدام می‌کند. هم اکنون، بیش از ۸۰ درصد از مشاغل، مربوط به بخش خدمات است و ترامپ باید بیشتر به این مسئله بیندیشد که چطور کارگران را با این مشاغل منطبق کند.

سخن بزرگان

زیباترین و به یادماندنی‌ترین سخنان مشاهیر در صفحه «همشهری سلام»

آگهی مزایده

شرکت بناگستران هشتم توس در نظر دارد کابلهای مازاد بر نیاز خود را به شرح ذیل
۱- کابل مفتول ۳۰۰×۱ مشهد ۲۰۰ متر
۲- کابل مفتول ۹۵×۱۸۵×۳ مشهد ۲۰۰ متر
۳- کابل مفتول ۱۲۰×۲۴۰×۳ مشهد ۲۰۰۰ متر
۴- کابل مفتول ۱۸۵×۱ مشهد ۳۰۰ متر
از طریق مزایده به فروش برساند متقاضیان می توانند پیشنهاد کتبی خود را به انضمام یک برگ چک بانکی به میزان ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی را حداکثر تا تاریخ ۹۵/۹/۲۰ به آدرس بلوار جانباز نبش جانباز دو پروژه پاژ واحد دبیرخانه تحویل نمایند.

شرکت بناگستران هشتم توس

۹۵۲۷۱۹۰۸/م

آگهی تمدید فراخوان عمومی شماره‌های ۹۵/۴ ارزیابی کیفی مناقصه‌گران

شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد به منظور ارزیابی پیمانکاران واجد صلاحیت جهت: ارزیابی کیفی مناقصه‌گران آماده همکاری به منظور انجام عملیات در حوزه IT شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد نسبت به برگزاری فراخوان عمومی اقدام نماید. لذا مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس‌های ذیل مراجعه نمایند.
۱- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق مشهد: www.meedc.ir
۲- سایت معاملات توانیر: www.tavanir.org.ir
۳- پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
۴- سایت انجمن صنفی کارفرمائی شرکتهای توزیع www.edcr.ir
۵- مشهد- بلوار خیام- شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد- اداره خرید خدمات- تلفن: ۳۷۶۶۲۸۲۹-۰۵۱

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد

آ/۹۵۲۷۱۷۷۶

مناقصه های عمومی یک مرحله ای شماره ۹۸۸-۹۵ ، ۹۸۹-۹۵، ۹۹۰- ۹۵ (نوبت اول)

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خراسان جنوبی

این شرکت در نظر دارد اصلاح، بازسازی، تعمیرات، حفاظت، بهره برداری و نگهداری تاسیسات آبرسانی روستاهای شهرستان های فردوس، قاین، سرایان را با مشخصات و اطلاعات ذیل به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شماره مناقصه	شهرستان	مبلغ برآورد (ریال)	رشته و حداقل رتبه پیمانکار	نوع تضمین و مبلغ (ریال)	مدت اجرا (ماه)
۱	۹۵-۹۸۸	فردوس	۹/۵۳۵/۵۳۴/۴۰۰	آب-پایه۵	ضمانتنامه معتبر به مبلغ ۴۷۷/۰۰۰/۰۰۰	۲۴
۲	۹۵-۹۸۹	قاین	۲۱/۸۶۵/۴۲۵/۸۷۵	آب-پایه۵	ضمانتنامه معتبر به مبلغ ۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۴
۳	۹۵-۹۹۰	سرایان	۶/۲۹۲/۵۸۸/۵۵۰	آب-پایه۵	ضمانتنامه معتبر به مبلغ ۳۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۴

۱) **مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ تا پایان وقت اداری ۱۳۹۵/۰۹/۲۱
۲) **محل دریافت اسناد مناقصه:** از سایت شرکت به آدرس www.abfar-kj.ir و یا وب سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir
۳) **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ می باشد.** ۴) **حداقل پیشنهادات دریافتی جهت بازگشایی پاکت ها ۲ مورد می باشد.**
۵) **زمان تشکیل جلسه قرائت پیشنهادها:** ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۶ در محل سالن جلسات شرکت ۶) **محل تامین اعتبار:** ظرفیت های قانونی بودجه سال ۹۵ و ۹۶
این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات برابر قوانین و مقررات مربوطه مختار میباشد. برای کسب اطلاعات بیشتر به وب سایت شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی و یا وب سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس های فوق مراجعه و یا با شماره تلفن ۸-۳۲۲۱۴۷۵۲-۰۵۶ اداره امور حقوقی و قراردادها تماس حاصل فرمائید.

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی

ج/۹۵۲۷۱۶۴۲

«مصرف بی رویه آب، هدردادن زندگیست.»

آگهی ارزیابی کیفی تامین کنندگان در مناقصه عمومی یک مرحله ای

نجات آب کشاورزی
الزامی برای تامین آب شرب

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خراسان رضوی

این شرکت در نظر دارد در اجرای مفاد جزء یك از بند الف ماده ۴ قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۱۳۸۳، از محل اعتبارات جاری نسبت به ارزیابی کیفی تامین کنندگان به شرح جدول زیر از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه و انجام مناقصه از طریق درگاه سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهدشد.

ردیف	مناقصه	شرح کالا	مقدار	واحد	مبلغ تضمین (میلیون ریال)	محل تخلیه(تحویل کالا)
۱	۹۵۲۲	تامین، حمل، نصب و تعویض کنتور انشعاب آب در قطر ۱/۲ اینچ	۱۰۰۰۰	عدد	۳۲۰	شهرستانهای استان خراسان رضوی

مبلغ تضمین در فرایند ارجاع کار خرید کالا بایستی به یکی از صورتهای زیرشامل ضمانتنامه بانکی یا ضمانتنامه موسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی یا وجه نقد واریز به حساب جاری سیبا ۲۱۷۵۲۱۱۷۹۹۰۰۷ بانک ملی مرکزی مشهد به نام تمرکز وجوه سپرده شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان رضوی یا سایر تضمینات به شرح مندرج در اسناد مناقصه باشد.
لذا از کلیه تولیدکنندگان و یا نمایندگان مجاز دارای گواهی نمایندگی دعوت می گردد؛ از تاریخ ۹۵/۰۹/۱۶ لغایت ۹۵/۰۹/۲۱ اسناد ارزیابی را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) دریافت نمایند.
مهلت تحویل وارسال اسناد ارزیابی ساعت ۱۴ مورخ ۹۵/۱۰/۰۸ می باشد که اسناد می بایست بصورت الکترونیکی به درگاه سامانه ستاد ارسال و اصل مدارک واسناد ارزیابی به دبیرخانه شماره ۲ شرکت واقع در خیابان هجرت – هجرت ۱۲ تحویل گردد.
تذکر مهم: مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه ستاد می بایست مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تلفن تماس برای کسب اطلاع بیشتر ۳۷۶۵۷۱۹۴-۰۵۱ داخلی ۱۱۳ و ۱۶۳ می باشد.
سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir و سایت ملی مناقصات www.iets.mporg.ir

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان رضوی

ضمنا سامانه پیام کوتاه این شرکت با شماره ۳۰۰۰۱۸۳۲ آماده دریافت انتقادات و پیشنهادات شما عزیزان می باشد.

م/۹۵۲۷۲۱۴۵

مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۸۵-۹۵ (نوبت دوم)

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خراسان جنوبی

این شرکت در نظر دارد عملیات حفاری چاه مجتمع دیهوک شهرستان طبس را به روش روتاری در سازند سخت به پیمانکاران دارای صلاحیت از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.
۱) **مبلغ برآورد حدودی به ریال:** ۴/۷۹۲/۰۰۵/۳۵۰ براساس فهرست بهاء سال ۱۳۹۵
۲) **تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانتنامه معتبر ترجیحا ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت حداقل ۳ ماه و قابل تمدید ضمنا: **چک بین بانکی و شخصی قابل قبول نیست.**
۳) **رشته و حداقل رتبه پیمانکار:** کاوش های زمینی پایه ۵
۴) **مدت اجرای کار: ۲ ماه**
۵) **مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از ۱۳۹۵/۰۹/۱۳ تا پایان وقت اداری ۱۳۹۵/۰۹/۱۷
۶) **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها:** تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۳۰ می باشد.
۷) **محل دریافت اسناد مناقصه:** سایت شرکت به آدرس www.abfar-kj.ir و یا وب سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir
۸) **زمان تشکیل جلسه بازگشایی پاکتها:** ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ در محل سالن جلسات شرکت
۹) **حداقل پیشنهادات دریافتی جهت بازگشایی پاکتها ۲ مورد می باشد.**
این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات برابر قوانین و مقررات مربوطه مختار میباشد. برای کسب اطلاعات بیشتر از شرایط شرکت در مناقصه و مشخصات پروژه به وب سایت شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی و یا وب سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات مراجعه و یا با شماره تلفن ۶-۳۲۲۱۴۰۶۴-۰۵۶ اداره امور حقوقی و قراردادها تماس حاصل فرمائید.

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی

ج/۹۵۲۶۶۲۸۴

آگهی مناقصه عمومی خرید ۱۸ عدد بلندگو

آستان قدس رضوی در نظر دارد تعداد ۱۸ عدد بلندگو مارک quest در مدلهای مختلف را از طریق مناقصه عمومی از فروشندگان واجد شرایط خریداری نماید.
جهت مشاهده متن کامل آگهی و مشخصات فنی، به نشانی http://dev.aqr.ir بخش سامانه مناقصات آستان قدس رضوی مراجعه نمائید. حداکثر مهلت تحویل پیشنهادات به سازمان مرکزی آستان قدس رضوی واقع در مشهد چهارراه شهدا تا تاریخ ۹۵/۰۹/۲۹ می باشد. (شماره تماس ۳۲۰۰۱۱۱۳ - ۰۵۱)

آستان قدس رضوی

ق/۹۵۲۷۱۹۱۰

آگهی مناقصه عمومی خرید مایع دستشویی

آستان قدس رضوی در نظر دارد مقدار ۴۰ تن مایع دستشویی را جهت مصرف در حرم مطهر رضوی(ع)، از طریق مناقصه عمومی از فروشندگان واجد شرایط خریداری نماید.
جهت مشاهده متن کامل آگهی، به نشانی http://dev.aqr.ir بخش سامانه مناقصات آستان قدس رضوی مراجعه نمائید. حداکثر مهلت تحویل پیشنهادات به سازمان مرکزی آستان قدس رضوی واقع در مشهد چهارراه شهدا تا تاریخ ۹۵/۰۹/۲۸ می باشد. (شماره تماس ۳۲۰۰۱۱۱۳ - ۰۵۱)

آستان قدس رضوی

ق/۹۵۲۷۱۹۲۵